

شکست انقلاب

وجریانات وحوادثبعدازان!

شکست انقلاب جدید:

جنگ علیرغم بمبارانهای هوایی پی در پی، شدت بین نیروهای ملی وادش استعمارگران که ازراه اردن حمله را شروع کرده بود، ادامه داشت، تا بغداد بتصرف اشغالگران درآمد. پس از سقوط بغداد، رشیدعالی ومفتی اعظم فلسطین وافسران انقلابی، همه بایران وسوریه وترکیه فرار کردند، وبعضی هم توانستند خود را بألمان برسانند. در این بین فقط «سبعاروی» انقلابی معروف ایستادگی کرد ویک تنه بجنگ ادامه داد ولسی کوشش وی تلاش مذبحو خانه ای بیش نبود و نتیجه ای هم جز کشته شدن نداشت. . . بدینوسیله امپریالیسم بااسلحه قدیمی خود یعنی بمبارانهای هوایی وکشت وکشتار و ایجاد وحشت و تروریسم، بوسیله نیروهای ذخیره ای که در اردن وفلسطین داشت، سرانجام توانست انقلاب ملی نودانیز شکست داده وبایه های «حکومت قانونی ۱۱» امیر عبدالاله ورجال سابق را اذنو تحکیم نماید.

«پی برکتر» مینویسد: «یکماه طول نکشید که نیروهای بریتانیا مجدداً بر آنجا مسلط گشتند ونایب السلطنه سابق همراه آنان وارد بغداد گردید و بیدرنک دولتی تشکیل داد و از هر حثت بابریتانیا موافقت نمود. . .» (۱)

شکست انقلاب وفرار اضطراری رهبران آن، واز طرفی روی کار آمدن و نرالهای فراری از قبیل نوری سمید و عناصر فاسد دیگر، باعث شد که سیل تهمت وناسزا از هر طرف بر ضد آنان هجوم آورد.

ولی مسلم است که اگر آنان پیروز میشدند، یعنی میتوانستند پیروزی خود را حفظ کنند، جزو رجال درجه اول عراق شمرده میشدند؛ چنانکه ملک حسین و فیصل اول وقتی که در سال ۱۹۱۶ م بر ضد خلافت عثمانی قیام کردند و بیاری و تأیید استعمار متجاوز بین المللی، برتر کها غالب آمدند، پادشاهان انگشت نمایی گشتند (۱).

درباره اینان تقدیر چنین بود که عده‌ای از آنان بنا بر اصرار و فشار بریتانیا، بوسیله حکومت آنروز ایران و ترکیه بمراق برگردانده شوند و پس از محاکمه تیر باران شوند و بقیه نیز که با آلمان فرار کرده بودند، غیاباً محکوم باعدام گردند . . .

علل و عوامل نهضت:

عوامل نهضت ۱۹۴۱ برهبری رشید عالی کیلانی که مورد تأیید علمای اسلامی هم بود، پیش از هر چیز دیگری انگیزه‌های ملی محض و احساسات ضد استعماری بود. البته هیچ بعید نیست که علل دیگری نیز در پیدایش و تکوین این نهضت؛ مانند سر نهضت دیگری، مؤثر بوده باشد، ولی بدون شك علت الملل ظهور آن، عکس العمل نیروهای ملی در قبال سالها حکومت دیکتاتوری دوز بر ماسک دمکراسی، بود.

سالها فشار و زور بر مردم مسلمان عراق، موجب پیدایش عقده‌هایی در دل آنان گشته بود، و این عقده هاست که روز بروز بزرگ و بزرگتر میشود تا بصورت مواد منفجره ای در می‌آید و سرانجام بصورت انقلابی بر ضد اوضاع موجود، شکل میگیرد.

اگر نوری سعیدها توانستند به همکاری استعمار بطور موقت آتش این انقلاب را خاموش سازند، باید توجه داشت که با ادامه روش احمقانه‌ی قبلی، با آزارهای رفتند که نتیجه آن چند سال پیش بظهور رسیده همه آنان را بایک دنیا تنگ و سوزانی بوادای نیستی کشانید (۲)

دوره صورت: مردم مسلمان عراق میخواستند با این انقلاب آزادی و استقلال همه- جانبه‌ای سرزمین خود را تأمین سازند و مسئله فلسطین را بفتح مسلمانان تمام کنند و اگر بتوانند مبدع نهضت‌های دیگری در همه سرزمینهای عربی گردند . . .

انابلت نبود و وجهی حاد انقلابی (که لازمه پیروزی و تکامل هر نهضت و انقلابی است) در نهاد اکثریت رهبران حکومت دفاع ملی و از طرفی هجوم نلجوان مردانه نیروهای استعمار و بمبارانهای هوایی شهرها و دهات و مردم بی گناه و بی سلاح؛ بالاخره انقلاب جدید عراق هم شکست خورد و رهبران آن؛ چنانکه گفته شد؛ فراری پاکشته شدند . . .

(۱): الاسرار الثغیبة لحوادث سنة ۱۹۴۱ - تألیف سید عبد الرزاق حسنی

مورخ معاصر عراقی.

(۲): در این باره در شماره‌های بعد بحث خواهیم کرد.

زمامداری مجدد :

پس از سقوط رژیم جدید ، تبعید شدگان و رجال سابق همه برگشتند و از نوزمامدار عراق شدند ، چند صباحی « جمیل المدنی » زمامدار بود ولی طولی نکشید که آقای « نوری سعید » روی کار آمد و تا سال ۱۹۴۴ م هم روی کار ماند و در این مدت از کارهایی که کرد یکی هم این بود که : علیه آلمان ، ایتالیا و ژاپن اعلان جنگ داد !! .

سالها گذشت و دولت‌های در عراق روی کار آمد . ولی روش آنان هیچگونه فرقی با سیاست نوری سعید نداشت . و ادامه روش فشار زندان و تبعید ، بضمیمه علل دیگری باعث شد که « کمونیسم » در عراق پیشرفت کند تا اینکه در سال ۱۹۴۷ م عملیات وسیع کمونیستها کشف شد و رجال ؛ عراق دیدند که نتیجه اعمال سیاست روز و فشار از طرفی و میدان ندادن به نیروهای اسلامی و جمعیت های دینی از طرف دیگر چگونه و از چه قرار است ؛ ...

عراق و جنگ فلسطین :

هنگامیکه مجمع ملل متحد به تقسیم فلسطین رأی داد ، احساسات جهان اسلام و بالخصوص اعراب مسلمان ؛ شعله ور شد . و سرانجام جنگ بین کشورهای عربی و یهودیهای که تازه به فلسطین مهاجرت کرده بودند و از کمک و پشتیبانی امپریالیسم غربی بهره مند بودند ، کشید .

قشون عراق نیز در جنگ شرکت کرد ؛ ولی همانند قشون مصر و ... کاری از پیش نبرد ، شاید دستور چنین بود و شاید هم اسلحه ای که بدست سربازان داده بودند ، همانند اسلحه سربازان مصری ، همه زنگ زده و خراب بودند ؛ و بدیهی است که در قبال اسلحه های مدرن و نوساز عمال صهیونیسم بین المللی کاری نمیتوانست بکنند و نتیجه ای جز کشتار مسلمانان نداشت ...

آنچه که بیش از همه چیز سوءظن ما را نسبت بر رجال آنروز عراق تشدید میکند ، اینست که در خلال همین جریانات ، و در ایامی که فاجعه نکهت بار تقسیم فلسطین عملی شده و پایه های حکومت پویشالی یهودی ریزی میگشت ؛ طبق تصویب مجلس شورای عراق ؛ (در سوم مارس ۱۹۵۰ م) یهودیها در ترک تابعیت و مهاجرت ب فلسطین مجاز شدند و شرکت امریکائی حمل و نقل خاورمیانه ، طبق دستور دولت توانست پنجاه هزار یهودی را با اسرائیل ببرد ، و البته قرار و دکه اموال و دارائی آنان هم پس از ارزیابی دقیق ؛ پرداخت شود ...

و بدین ترتیب خیانت بزرگ دیگری عملی شد ، و با اینکه عده ای مخالف مهاجرت دسته -
جمعی یهود بوده و می گفتند در این موقعیت بحرانی نباید اسرائیل را - که شب و روز از یهودیهای
عالم میخواست « برای تقویت ارتش و اقتصاد ملی یهود » بفرستند - تقویت
کرد و باید یهودیها را بعنوان گروگان برای تعدیل رفتار یهود غاصب ، نسبت با عرب
مسلمان ، نگه داشت . . . ولی تا سال ۱۹۵۱ م قریب صد و شصت هزار یهودی از عراق
با اسرائیل مهاجرت نمودند ! ! ! . (۱)

بدینوسله عمال استعمار خیانت بزرگ و جبران ناپذیر ؛ و نابخشودنی دیگری را
مرتکب شدند .

نفت عراق باید ملی شود :

ملی شدن صنعت نفت در ایران ، باعث شد که مردم مسلمان عراق خواستار ملی شدن
نفت عراق گردند و بدین منظور طرحی از طرف عده ای از نمایندگان مجلس ، تسلیم مجلس
گردید که بموجب آن میبایست نفت عراق نیز همانند ایران ملی شود . . .
ولی دولت نوری سعید و اکثریت ؛ با آن مخالفت ورزیدند و در مقابل قرارداد جدیدی
باشراکت نفت ، بستند و این عمل موجب هیجانانی شد که بقول « لیخافسکی » در کتاب خود
« در اثر تدابیر نوری سعید بجای نرسید » ؛ ووی پس از « حل مسئله نفت » از مقام خود
کناره گیری کرد ؛

در همین ایام بود که در مصر انقلاب شد ، و این انقلاب در اوضاع عراق بی تأثیر نبود
و پس از روی کار آمدن عده ای ، چون هیچکدام قادر بکنترل اوضاع نبودند ؛ بالاخره باز
نوری سعید روی کار آمد و عراق را در پیمانهای منطقه ای وارد ساخت (این پیمان ، بنام
پیمان بغداد معروف شد) .

(۱) : تاریخ خاور میانه تألیف ژوزف لیخافسکی ترجمه دکتر هادی جوامری چاپ -

تهران ص ۲۶۲ .